

ماداران

دخل بچه‌ها را در می آورند!

دکتر امید مهرابی

با وجود حضور مؤثر و فراگیر پول در زندگی امروزی، آموزش درباره آن، در نظام آموزش رسمی فراموش شده است. سواد مالی، ترکیبی از دانش، مهارت و نگرش‌هایی است که فرد را در اتخاذ تصمیمات و رفتارهای منطقی در مواقعی که اثر مالی دارند، یاری می‌رساند. سواد مالی قابلیت عمومی اما فنی است، لذا باید به صورت اصولی آموزش داده شود، اما در حال حاضر چنین نیست. در این نوشتار، عوامل شکل‌گیری سواد مالی بررسی می‌شود.

مادران بیشترین نقش را در یادگیری سواد مالی ایفا می‌کنند

خانواده

شاید تعجب نکنید اگر بشنوید خانواده اولین و مؤثرترین عامل در آموزش سواد مالی است. اما احتمالاً تعجب خواهید کرد اگر بدانید که این موضوع عمومی است. حیرت‌آورتر از همه اینکه مادران بیشترین نقش را در یادگیری سواد مالی ایفا می‌کنند. تحقیقاتی که در آمریکا، استرالیا، ژاپن، کانادا، انگلستان، هند، ایرلند و ایران انجام شده است، نشان می‌دهد که خانواده اولین عامل با بیشترین وزن در شکل‌گیری سواد مالی است. مشاهده چند آمار شاید خالی از لطف نباشد:

خاستگاه نزدیک به نیمی از آموزه‌های سواد مالی خانواده گزارش شده است. این آمار در آمریکا ۴۳ درصد و در ایران ۴۰ درصد گزارش شده است. از میان اعضای خانواده، مادران با بیش از ۹۰ درصد (وضعیت در ایران و آمریکا در این مورد یکسان است) بیشترین سهم را دارند. این آمار حیرت‌آور نیست؟ حتماً هست. و دقیقاً به دلیل اهمیت و نقش خانواده و به‌ویژه مادران در تربیت نسلی باسواد مالی مطلوب، در حال حاضر در آمریکا برنامه‌ای با عنوان «مادران فردا» برای دختران ۱۴ تا ۱۷ ساله اجرا می‌شود. هدف این برنامه، توسعه قابلیت‌های مالی اثرگذارترین عضو خانواده در شکل‌گیری سواد مالی است. اجازه دهید تعدادی سؤال را مرور کنیم:

- چرا شکاف خانواده‌های فقیر و غنی هر روز بیشتر می‌شود؟
- چرا اغلب افراد جامعه قادر به تولید ثروت نیستند؟
- چرا بیش از ۷۰ درصد مردم علاقه دارند کارمند - ترجیحاً کارمند دولت - (با درآمد ناچیز، اما مطمئن یا همان آب باریکه معروف) باشند؟

- چرا شمار قابل توجهی از مردم به درآمد کم راضی می‌شوند و بابت عدم گلایه از درآمد کم (بخوانید کیفیت پایین زندگی) به خود می‌بالند؟

اساساً خانواده‌ها چه چیزی به فرزندان خود می‌آموزند که تا این حد مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش عمومی واقع شده‌اند؟ پاسخ یک کلمه است؛ همه چیز. سهم عمده‌ای از آموزه‌های ما از پول، به‌ویژه، از باورهایمان در خانواده، یا از تفکرات، عقاید و باورهای درون خانواده شکل می‌گیرد. نتایج تحقیقی در سال ۸۷ در ایران جالب است.

این تحقیق در میان دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی و در دو گروه خانواده‌های برخوردار (با نمایندگی دانش‌آموزان چند مدرسه از کلان‌شهرهای کشور) و خانواده‌های نابرخوردار (با نمایندگی دانش‌آموزان تحت پوشش کمیته امداد) انجام شد. جدول زیر تفاوت میان دو تفکر را به خوبی نمایش می‌دهد:

خانواده‌های برخوردار	خانواده‌های برخوردار
کار در ازای پول انسان را از خدا دور می‌کند. (۷۸ درصد)	کار در ازای پول انسان را به خدا نزدیک‌تر می‌کند. (۸۳ درصد)
حقوق قانون کار برای زندگی مطلوب کافی است. (۶۸ درصد)	حداقل درآمد برای زندگی مطلوب بیش از دو میلیون تومان است. (۷۶ درصد)
آرزوی شغلی من، کارمند دولت شدن است. (۶۱ درصد)	آرزوی شغلی من کارفرمایی یا سرمایه‌گذاری است. (۸۹ درصد)
کار در ازای پول را از مادرم آموختم. (۹۳ درصد)	کار در ازای پول را از مادرم آموختم. (۹۱ درصد)

اکنون می‌توان به پرسش‌های بالا پاسخ داد. خانواده‌ها به فرزندان خود همه آنچه را که می‌دانند، می‌آموزند. اما نکته در اینجاست که والدین فقیر چیزی از پول نمی‌دانند که بخواهند آن را به فرزندان خود بیاموزند. همه آنچه آن‌ها می‌دانند، نادانسته‌ها یا آموخته‌های غلط است. اگر این عده در زمینه مالی باسواد بودند (رجوع شود به بخش نخست این نوشتار در شماره پیشین)، وضعیتشان چنین نبود. در واقع، اغلب قریب به اتفاقی فقرا نمی‌دانند یا پول چه کنند و چگونه آن را مدیریت کنند. در اغلب موارد، پول زیاد، فقیر را فقیرتر می‌کند. به همین دلیل است که سال‌ها قبل و زمانی که به تازگی میزان یارانه نقدی اعلام شده بود، در مقاله‌ای نوشتیم: «حتی اگر به جای ۴۵ هزار تومان، ۴۵۰ هزار تومان هم بدهید، باز هم فرقی به حال فقیر نمی‌کند، زیرا مشکل اغلب فقرا نه مقدار عددی پول در اختیار ایشان، بلکه نحوه مدیریت آن است.» و دیدید که در تاریخ ۱۳ تیر ۹۳، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی اعلام کرد که یارانه‌های نقدی فقرا را فقیرتر کرده است! (<http://alef.ir/vdccc11qi12bq1s8.ala2.html?233133>) برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان می‌توانید از آن‌ها بخواهید اولین، مهم‌ترین، بزرگ‌ترین، بهترین، بدترین و حساس‌ترین تجربه‌های مالی خود یا خانواده‌شان را بیان کنند و بگویند کدام یک از اعضای خانواده در شکل‌گیری آن تجربه بیشترین نقش را داشته‌اند، چه چیزهایی را از مادران، چه مواردی را از پدران و کدام موضوعات را از دیگر اعضای خانواده آموخته‌اند؟ کدام آموزه‌ها را اساسی می‌دانند و چرا؟

**رفتار مالی
فروشنده‌گان،
فامیل، معلمان
و خلاصه همه
و همه در
شکل‌گیری سواد
مالی کودک
مؤثرند. لذا
اکیداً توصیه
می‌شود فرزندان
و دانش‌آموزان
خود را در معرض
تجربیات افراد
موفق قرار دهید**

تجربه شخصی

دومین عامل اصلی در شکل‌گیری سواد مالی، تجربه شخصی است. متأسفانه تجربه شخصی همواره با چالشی بزرگ روبه‌روست؛ از آنجا که شکست روی دیگر سکه یادگیری سواد مالی است، چنانچه ریسک یادگیری با افزایش میزان پول درگیر در تجربه یادگیری افزایش یابد، آن تجربه ناخوشایند می‌شود و لذت یادگیری و در نتیجه علاقه به پیگیری مستمر یادگیری کاهش می‌یابد. در نتیجه، افراد نسبت به موضوعات پولی، محافظه‌کارانه برخورد خواهند کرد.

محیط

کودکان به‌طور مداوم در حال یادگیری هستند. این موضوع درباره سواد مالی نیز مصداق‌های زیادی دارد. رفتار مالی فروشنده‌گان، فامیل، معلمان و خلاصه همه و همه در شکل‌گیری سواد مالی کودک مؤثرند. لذا

اکیداً توصیه می‌شود فرزندان و دانش‌آموزان خود را در معرض تجربیات افراد موفق قرار دهید. این موضوع مصداقی عملی است از این اندیشهٔ والا که «هم‌نشینی با بزرگان موجب بزرگی است.»

دوستان

مانند همهٔ حوزه‌های دیگر، دوستان و هم‌سالان از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری سواد مالی محسوب می‌شوند. نکتهٔ مهم تربیتی آن است که هم‌سالان منبع مناسبی برای الگوبرداری نیستند، زیرا آن‌ها نیز خود در زمینهٔ سواد مالی تجربهٔ چندانی ندارند. لذا والدین و معلمان باید مراقب تأثیرپذیری دانش‌آموز خود به‌ویژه از هم‌سالانی که در رفتار و عملکردهای مالی نمرهٔ قبولی ندارند، باشیم.

مدرسه

ناباورانه باید پذیرفت که نظام آموزش رسمی کمترین سهم را در شکل‌گیری سواد مالی دارد. البته این ضعف تنها به ایران محدود نمی‌شود، اگرچه تقریباً نظام آموزش رسمی همهٔ کشورهای دنیا از آموزش پول غافل است، لیکن برخی از خواب‌گفت بیدار شده‌اند و برخی دیگر همچنان در خواب هستند. اما از آنجا که پول یک ابزار است، در حوزهٔ فناوری قابل طبقه‌بندی است. به همین دلیل بهتر است به صورت تخصصی و حرفه‌ای آموزش داده شود.

برای آموزش مفهیمی مانند آمار، سرشماری، هیستوگرام، اصل پارتو و مانند آن‌ها می‌توانید پروژه‌ای را برای دانش‌آموزان طراحی کنید. مثلاً از آن‌ها بخواهید کتاب‌های درسی خود یا پایه‌های قبلی را بررسی کنند و فراوانی اشاره به پول را از جنبه‌های گوناگون کار با پول اندازه بگیرند و نمودار آن‌ها را رسم کنند.

در میان عوامل مدرسه، معلمان، مشاوران و مدیران هر یک سهمی بسیار کلیدی در توسعهٔ سواد مالی دارند. معلمان و مشاوران با گنجاندن مفهیم سواد مالی در طرح درس‌های خود می‌توانند به‌صورت مستقیم در توسعهٔ این سواد مؤثر باشند. درس‌های ریاضی، جغرافی، علوم، ادبیات، انشا، مطالعات اجتماعی، قرآن، هدیه‌های آسمانی و حتی دیگر درس‌ها در توسعهٔ سواد مالی ظرفیت فوق‌العاده‌ای دارند. تنها پیش‌نیاز فعال‌سازی این ظرفیت، خلاقیت معلمان یا الگوبرداری از نمونه‌های موفق است.

مدیران نیز در توسعهٔ سواد مالی مدارس نقشی کلیدی ایفا می‌کنند. دعوت از افراد موفق و ترجیحاً متناسب با بافت فرهنگی و طبقهٔ اقتصادی و اجتماعی دانش‌آموزان، برگزاری برنامه‌های بازدید از مراکز اقتصادی، مالی و پولی، گنجاندن برنامه‌های توسعهٔ سواد مالی در فوق برنامه‌ها، جلسات توجیهی و دانش‌افزایی برای خانواده‌ها و معلمان، حمایت معنوی و مادی از برنامه‌های معلمان در زمینهٔ سواد مالی، تنها گوشه‌ای از اقداماتی است که مدیریت مدرسه می‌تواند انجام دهد.

دین

تحقیقات متعدد نشان‌دهندهٔ تأثیر دین بر رفتار و یادگیری مالی است. نکتهٔ جالب توجه این است که تقریباً همهٔ گروه‌های موفق و ناموفق، عملکرد خود را به دینی که بدان پایبند هستند، مرتبط می‌دانند. شخصاً این بررسی را در دانش‌آموزانی از ادیان اسلام (به تفکیک شیعه و سنی)، بودا، مسیحیت (کاتولیک و پروتستان)، شینتو (از آیین‌های ژاپنی)، کنفوسیوس، هندو و سیک انجام داده و به نتایج یکسانی رسیده‌ام. برای مثال، در دین اسلام، فقرا بنا به روایتی از پیامبر اسلام (ص)، فقر را مایهٔ افتخار می‌دانستند و اغنیای مسلمان با تمسک به روایتی دیگر از پیامبر (ص)، فقر را برادر شیطان می‌دانستند. هر دو گروه، اعمال خود را متأثر از تمسک به دین می‌دانستند.

سایر عوامل

به فهرست بالا می‌توان عوامل دیگری را افزود که قابل توجه هستند. تحقیقات نشان می‌دهد، به‌صورت کلی سواد مالی با افزایش تحصیلات رابطهٔ مستقیم دارد. یعنی افراد تحصیل کرده در مجموع نسبت به افراد کم‌سواد رفتارهای مالی عاقلانه‌تری نشان داده‌اند. همچنین، زنان نسبت به مردان رفتار مالی مطلوب‌تری نشان داده‌اند. افراد مسن‌تر بهتر از جوانان پول را می‌فهمند و با آن کار می‌کنند. یکی از دلایل اقبال بیشتر جوانان به فعالیت‌های هر می نادرست، درک ناقص آنان از پول است. آخرین عامل اثرگذار، نژاد و قومیت است. شاید از رفتارهای اقتصادی اسکاتلندی‌ها و ژاپنی‌ها در آن سوی مرز چیزهایی شنیده‌اید. این‌ها واقعیت دارند. رفتار مالی اقوام براساس موقعیت جغرافیایی، نوع و میزان دسترسی به منابع متفاوت است.

معلمان و مشاوران با گنجاندن مفهیم سواد مالی در طرح درس‌های خود می‌توانند به‌صورت مستقیم در توسعهٔ این سواد مؤثر باشند